

ما می‌ایستیم!

فواد عبداللہی



«به در و دیوار کوبیدن برای زنده ماندن، جهنم است! انتخاب بین دو گزینه - خرید دارو یا پرداخت اجاره خانه - جهنم است! هفت روز هفته کار کردن به مدت دوازده ساعت در روز برای ماه‌ها، جهنم است! ترس از بیکاری و از هم‌گسیختگی خانواده‌های ما، جهنم است! بس است! ما می‌ایستیم. وقت آنست که تصمیم بگیریم چه دنیایی می‌خواهیم و زمان آن فرا رسیده است که تصمیم بگیریم که برای بدست آوردن آن چگونه وارد عمل شویم!» سخنان یک کارگر جنرال متورز در پیکت اعتصاب

از نیمه شب جمعه گذشته ۱۵ سپتامبر، در برخی از ایالت‌های آمریکا از جمله میشیگان و اوهایو، قریب به ۱۳ هزار کارگر «جنرال متورز»، «فور» و «استلانٹیس» به نمایندگی از جانب صد و پنجاه هزار کارگر، شیپور اعتصابی قدرتمند را به صدا در آورده و چرخ تولید را متوقف کرده‌اند. این کارخانه‌های غول‌پیکر حدود دو سوم تولید وسایل نقلیه موتوری، نه فقط در خود آمریکا بلکه در کانادا و مکزیک و برخی دیگر از نقاط دنیا را تشکیل می‌دهند. مناقشه کارگران با کارفرمایان تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

کارگران خواهان کاهش زمان کار به ۳۲ ساعت در هفته (چهار روز کاری به جای پنج روز کاری)، افزایش ۴۰ درصدی سطح دستمزدها و پرداخت بدون تاخیر حقوق و مستمری‌شان هستند. موج این اعتصاب به شعبه‌های دیگر این سه کارخانه چه در داخل آمریکا و چه در کانادا و مکزیک هم رسیده است و پشتیبانی و حمایت سایر بخش‌های طبقه کارگر از جمله حمایت و همبستگی کارگران «Volvo» در سوئد را به دنبال داشته است. نتیجه آخرین نظرسنجی‌هایی که در جامعه آمریکا صورت گرفته است از هر چهار نفر شهروند آمریکایی، سه نفر پشتیبان این اعتصابند.

کارگران جنرال متورز که در سال ۱۹۳۵ میلادی پس از سالها مبارزه رادیکال و جانانه علیه شبه‌نظامیان کارفرما در این مرکز صنعتی ابراز وجود علنی کردند، از محبوبیت بی‌نظری در جامعه آمریکا و در میان صفوف طبقه کارگر جهانی برخوردارند. معروف‌ترین اعتصاب ۴۴ روزه در کارخانه فور در میشیگان در سال ۱۹۳۶ را کارگران سوسیالیست همین کارخانه در اعتراض به روند شدت کار سازمان دادند. جنرال متورز علیه اعتصاب کارگران و شناسایی رهبران سوسیالیست کارگری، کارآگاهانی را به خدمت گرفت که برای جاسوسی از کارگران و سازمان دهندگان اعتصاب استخدام شده بودند. این شرکت همچنین از لژیون بلک، یک گروه شبه نظامی دست‌راستی که کوکولوس کلان‌های فاشیست را به عنوان نیروی نظامی به کار می‌گرفت، برای ارباب کارگران در کارخانه استفاده می‌کرد. ... صفحه ۲

- کارگران جهان متحد شوید!



سالگرد یک خیزش و غیبت شرافت رسانه ای

ثریا شهابی

با نزدیکی سالگرد انقلاب سوم ایران، جهانی به پیشواز رویارویی مردم در سراسر این کشور با جمهوری اسلامی میرفت و با دقت تحرکات دو صفی که در مقابل هم صف آرایی میکردند را دنبال میکرد. یک سو اکثریت یک جامعه هشتاد میلیونی است که در موقعیت تعرضی خود را آماده میکرد و طرف دیگر اقلیت انگلی حاکم اما در موقعیت دفاعی است که بدنبال سنگر، همه توان اش را بکار می انداخت.

یک طرف حکومتی متکی به شبکه زندان ها و ارتش و سپاه و بسیج و دستجات مسلح لباس شخصی و گله اوباش اجاره ای، با همه توان امنیتی، اقتصادی و سیاسی خود که گارد دفاعی گرفته است و طرف دیگر اکثریت هشتاد میلیون مردم متحد و همبسته ای است که در سرتاسر ایران برای حمله آماده میشوند! اکثریتی که سر هیچ سازشی با جنایتکاران در قدرت ندارد و آزر خطر حمله اش را در سراسر ایران، به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی خود، به صدا درآورده است و خواب از چشم دشمنان خزیده در سنگر، ربوده است. قابل پیش بینی بود که حکومت این تقابل را جدی میگیرد! قدرت مردم را جدی میگیرد! به آلیاژ بالای ضعف و شکنندگی خود و ناتوانی اش در سرکوب خیزش انقلابی مردم، واقف است و همه سرمایه اش را برای دفاع از خود بکار میگیرد. از این رو جلوگیری «غیر خشونت آمیز» از برگزاری مراسم سالگرد مهسا در سقز، که وعده گاه میلیونی مردم در سراسر ایران بود، بهترین سنگر دفاعی ممکن بود که در اختیار داشت. ... صفحه ۳

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی):

فعالیت‌های تشکیلات خارج حزب در سالروز خیزش

انقلابی شهریور ۱۴۰۱

کابوس حاکمیت را به واقعیت تبدیل میکنیم

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

با نزدیک شدن به سالروز خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، جمهوری اسلامی همه امکانات خود را برای مقابله با مردم آزادخواه به کار گرفت. سپاه، بسیج، نیروهای نظامی و انتظامی، یگانهای ویژه، وزارت اطلاعات و مزدوران لباس شخصی، رسانه ها و امام جمعه و زندانها و زندانبانان همه را به کار گرفتند تا سالگرد این خیزش را سالم از سر بگذرانند. علاوه بر احضارهای صدها فعال اجتماعی و دستگیری های وسیع چند هفته گذشته، روز شنبه ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر)، سالروز قتل مهسا امینی، در بسیاری از شهرهای ایران عملا حکومت نظامی برقرار بود. تمام خیابانهای اصلی، میداین شهرها، محلات و ... مملو از نیروهای مسلح با همه تسلیحات نظامی بود. دستگیری شهروندان با تجمع و به هر بهانه ای در همه شهرهای بزرگ از تهران و تبریز، تا اصفهان و مشهد، از زاهدان تا سنندج و سقز و... در جریان بود. در برخی از شهرهای کردستان و خصوصا سقز، زادگاه مهسا امینی، عملا تانک و زره پوش را به خیابان آوردند. خانواده جانباختگان را تهدید کردند، دستگیر و تحت فشار گذاشتند تا بر سر مزار عزیزانشان جمع نشوند. شبانه جیونانه و وحشیانه به مزار جانباختگان حمله کردند و در این روز زندانها پر و پادگانها خالی شدند. بر اساس آمارهایی که منتشر شده است، تنها در تهران در یک روز بیش از ۵۰۰ نفر دستگیر و روانه زندان شده اند.

علیرغم همه این تدابیر و گسیل نیرو، هیچ جایی برای جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبش امن نبود. همه جا مردم آزادخواه از هر فرصتی برای اعلام مجدد نفرت و خشم خود علیه جمهوری اسلامی، برای تجدید پیمان ادامه جدال تا سرنگونی این حاکمیت سیاه استفاده کردند. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

دومین اعتصاب قدرتمند کارگران جنرال متورز در سپتامبر ۱۹۷۰ رخ داد. چهارصد هزار کارگر در بزرگترین مرکز تولیدی و صنعتی جهان و شعبات آن دست به اعتصاب زدند که شصت و هفت روز به طول انجامید و یک میلیارد دلار سود کارخانه و مدیر عامل را متوقف کرد و زمین را زیر پای دولت و طبقه حاکم آمریکا به لزره درآورد. این اعتصابات با حمایت و همبستگی وسیع بین‌المللی طبقه کارگر روبرو شد و جایگاه کارگران جنرال متورز در عرصه مبارزه طبقاتی با بورژوازی را برجسته کرد. کارگران موفق شدند تا سطح قابل توجهی از افزایش دستمزدها و حقوق بازنشستگی و مطالبات رفاهی خود را به کارفرما و طبقه حاکم در آمریکا تحمیل کنند. اینجا مجال پرداختن به تاریخ پرفراز و نشیب مبارزات کارگران جنرال متورز در جزئیات آن نیست. این تاریخ را باید در جایی دیگر به صورت مفصل بازگو کرد. بویژه نقش تاریخی زنان سوسیالیست در تشکیل باریکادهای اضطراری که با پلیس به نبرد برخاستند و امنیت اعتصاب و رهبران کارگری را در طول اعتصاب تامین می‌کردند.

اکنون اعتصاب اخیر کارگران خودروسازی آمریکا بر متن تاریخ درخشان مبارزات آنان، در زمان حساسی از راه رسیده است. بیکاری از سر و کول جامعه آمریکا بالا می‌رود. تلی از ثروت و سرمایه صرف تولید و فروش اسلحه و زرادخانه جنگی و پروپاگاندا دولت آمریکا بویژه در جنگ اوکراین می‌شود. مرکز آمار آمریکا در آخرین گزارش خود از شرایط معیشتی مردم می‌گوید و این که همزمان با تشدید اعتصابات کارگری در بخش‌های صنعتی میزان تورم و گرانی در این کشور رو به افزایش گذاشته است و میانگین درآمد خانوارها به شدت کاهش پیدا کرده است. قریب به ۳۸ میلیون شهروند آمریکایی درآمدی پایین‌تر از ۱۴ هزار دلار در سال، نرخ رسمی فقر در آمریکا دارند. جامعه آمریکا برای نخستین بار از سال ۲۰۱۰ شاهد افزایش بیسابقه فقر بوده است. از میزان ۷ درصد فقر در سال ۲۰۲۱ به سیزده درصد در سال ۲۰۲۲، یعنی در عرض یکسال، دوبرابر شده است. همزمان سود کارخانه‌ها و شرکت‌ها در این مدت هرگز تا این حد بالا نبوده است. تنها ۴۰ میلیارد دلار سود این سه کارخانه خودروسازی غول‌پیکر در طول یکسال اخیر بوده است. مدیر عامل جنرال متورز، در حالی که کارگران دست به این اعتصاب تاریخی زده‌اند، با وقاحت تمام از حقوق ۲۹ میلیون دلاری خود دفاع کرده است. این درحالی است که بسیاری از کارگران ۱۶ دلار و کمتر از میانگین دستمزد ۲۳ دلار در ساعت دریافت می‌کنند.

در این زمان حساس، در آستانه نزدیک شدن به فصل انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، با اعتصاب قدرتمند کارگران خودروسازی توازن قوا به سمت طبقه کارگر آمریکا برگشته است تا مهر خود را بر روند تحولات سیاسی بزند. کشتی طبقه حاکم در آمریکا با هر دو حزب آن - جمهوری خواهان و دمکرات‌ها - با عروج دوباره طبقه کارگر به صحنه تحولات اجتماعی در گل فرو رفته است. فاکتور اقتصاد و حضور طبقه کارگر در داخل آمریکا، چنان هر دو حزب هیئت حاکمه آمریکا را در کام خود فرو برده است که دیگر راهی برای رفتن از این «فاکتور داخلی» ندارند. جو بایدن در اولین روز اعتصاب کارگران جنرال متورز

شعار نویسی، پخش تراکت و نصب باندرول‌ها با مضامین آزادیخواهانه، شعارهای شبانه و در بعضی از شهرها تجمعات مختلف راه‌بندان بر سر راه مزدوران حکومتی، اعتراض و اعتصاب غذا در زندانها، بیانیه‌ها و نوشته‌هایی علیه این وضع و درگیری‌های پراکنده مردم و جوانان با نیروهای آنها در بسیاری از شهرها، تنها گوشه‌هایی از جدال زن و جوان و مردم ستمدیده و آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی بود. در بسیاری از شهرها مردم در اعتراض به این وضع بازار و مغازه‌های خود را بستند، پدیده‌ای که در کردستان وسیعاً به چشم می‌خورد.

این حقایق موقعیت کنونی جمهوری اسلامی، حکومتی که هیچ جای امنی برایش باقی نمانده است را نشان داد که برای مقابله با مردم آزادیخواه، برای ممانعت از تجمع و اعتراضات زنان، جوانان، کارگر و بازنشسته و محرومین جامعه، ناچار است همه نیروهای خود را برای این جنگ به میدان بیاورد. جنگ با مردمی که آزادی، آزادی زن، رفاه و برابری و سرنگونی شان را می‌خواهند. موقعیت حکومتی که هر اعتراضی برایش کابوسی دهشتناک است، کابوس از دست دادن کنترل اوضاع، کابوس به هم خوردن صفوف نیروهایش، کابوس از خروش دهها میلیون انسانی که برای سرنگونی حکومت نه تنها لحظه شماری میکنند که هر روزه و به اشکال مختلف نیروی خود را سازمان و آماده میکنند.

این حقایق بیان توازن قوای جدیدی است که امروز بر جامعه ایران حاکم شده است و بخشی از دستاورد جدال چندین ساله طبقه کارگر، محرومان و مزدبگیران، زنان و جوانان علیه تبعیض، فقر و بی‌حقوقی و استبداد است.

سران جمهوری اسلامی میدانند «جان سالم» به در بردن از این تند پیچ، سالروز خیزش انقلابی، حکومت شان را نجات میدهد. سران رژیم میدانند این مردم سر

اعلام کرده است که این اعتصاب قانونی نیست و نباید ادامه پیدا کند چون «ما» در شرایط جنگی با روسیه در اوکراین هستیم. همزمان دونالد ترامپ کرکری می‌خواند و کارگران اعتصابی را تهدید کرد که کارخانه را به چین منتقل می‌کنند و همه کارگران را با رهبران آنان به رودخانه می‌ریزند.

عالیجنابان همه به نوعی اذعان دارند که دیگر مشکل بورژوازی و هیئت حاکمه آمریکا نه در خارج مرزها و تدوین استراتژی جنگی در مقابل سایر بلوک‌های قدرت در جهان بلکه در داخل آمریکا است. طبقه کارگر آمریکا دیگر حاضر نیست بار بحران اقتصادی سرمایه‌داری و تعرض هیئت حاکمه آمریکا به معیشت و رفاهش را تحمل کند. بورژوازی آمریکا با یک دشمن واقعی در داخل خود روبرو است که جنگ را حول تضاد کار و سرمایه سازمان داده است.

عروج دوباره اعتصابات عظیم کارگری در قلب آمریکا، سرها را به سمت طبقه کارگر آمریکا و بحران‌های اساسی که بزرگ‌ترین قدرت کاپیتالیستی جهان در آن فرو رفته است، چرخانده است. طبقه کارگر آمریکا، هارترین و قوی‌ترین دشمن طبقه کارگر جهانی را به مصاف طلبیده است. با به میدان آمدن دوباره طبقه کارگر و دست بردن به سلاح اعتصاب در آمریکا، دست بردن به سازماندهی و اتحاد، دست بردن به ایجاد احزاب کمونیستی و در یک کلام سر و سامان دادن به صف مبارزه طبقه کارگر، اقتدار سیاسی و اقتصادی دولت آمریکا دوچندان فرو می‌ریزد.

اعتصابات اخیر به خوبی نشان داد که «تعرض بهترین دفاع است» و باید صفوف خود را برای تعرض علیه سرمایه‌داری سر و سامان داد. عروج مارکسیسم، کمونیسم و احزاب کارگری در این دوره برای بدست گرفتن پرچم ساختارشکنی و ضدیت با تمام مصائب ناشی از بردگی مزدی یک امکان واقعی است. هژمونی گرایشات چپ پارلمانی و شبه سوسیالیستی طبقات غیر کارگر و اهداف غیر کارگری و گاه ضد کارگری این چپ بورژوازی که برای دوره‌های طولانی کارگران را به تبعیت در مقیاس وسیع از جناح چپ طبقه حاکم سوق می‌داد، به سر رسیده است. رابطه کمونیسم و کارگر بیش از همیشه زنده است و از هم گسستنی نیست. دور کردن طبقه کارگر از مارکسیسم و ساکت کردن کارگران کمونیست رنگ باخته است. عروج دوباره طبقه کارگر و مطلوبیت مارکسیسم و کمونیسم بیش از هر چیز بی‌ربطی چپ پارلمانی به طبقه کارگر را نشان داد و ثابت کرده است که قدرت ایجاد تغییرات اساسی در جامعه معاصر تنها از عهده کمونیسم و طبقه کارگر ساخته است. کمونیسمی که نقد برنده‌اش از جامعه موجود و از مناسبات سرمایه‌داری بعد از مدت‌ها دوباره قد راست کرده است و با تکیه بر قدرت عظیمی که کارگر امروز در مقیاس اجتماعی در صحنه اقتصادی بدست آورده است، به آینده سوسیالیسم خوشبین است.

با گنبدیدگی مناسبات سرمایه‌داری در کل جهان، طبل آغاز نبردهای طبقاتی تعیین کننده با حضور طبقه کارگر از کشورهای پیشرفته آمریکای شمالی و اروپا تا عقب‌مانده‌ترین و فقرزده‌ترین مناطق دنیا به صدا در آمده است. باید به پیشواز آن رفت و راه پیروزی کارگران، راه نجات بشریت را در عرصه‌های گوناگون این نبرد طبقاتی تشخیص داد و با پراتیک متحذانه تا مقصد ادامه داد. این کار احزاب کمونیستی طبقه کارگر در این دوره است.

تسلیم ندارند. میدانند ورق برگشته است و دوره قمه چرخانی و اسید پاشی اوباشان حکومت پایان یافته است. میدانند زندان و تهدید و ارباب کار ساز نیست. میدانند جنبش سراسری با پرچم حق زن و آزادی و برابری مزده پیروزی را به همه جا برده است و طبقه کارگر و نسل جوان، زنان و همه آزادیخواهان برای جنگ نهایی خود را آماده میکنند. این کابوس حکومت اسلامی است!

این حکومت باید برود و کابوس شان باید به واقعیت تبدیل شود. کمونیستها، رهبران و فعالین جنبش ما در جنبش کارگری، در دانشگاه و مراکز تحصیلی، در صف بازنشسته، معلم و پرستار، در محلات و همه جای ایران، در پیشاپیش این جنبش نیروی خود را متحد میکنند. برای این جنبش اعتراض به بی‌عدالتی و استثمار، به زن ستیزی و کودک آزاری به استبداد و توحش حاکم، احتیاج به هیچ مناسبت ویژه‌ای ندارد. جنگ ما در کارخانه و محلات کارگری، در مراکز تحصیلی و همه جای به وسعت ایران روزانه در جریان است. ما در دل این جدال برای جنگ نهایی و برای سرنگونی و رهایی واقعی، برای زندگی سعادتمند و انسانی به رهبری طبقه کارگر انقلابی آماده میشویم. ما این کابوس را به واقعیت تبدیل میکنیم.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۶ شهریور ۱۴۰۲ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۳

دستگیری های وسیع، گسیل نیروهای نظامی و عملاً میلیتاریزه کردن شهرهای کردستان و شهرهای بزرگ ایران، باز کردن مسیر آب و بستن امکان تردد مردم به آرامگاه مهسا، تنها امکانی بود که برای جلوگیری از حضور و اجتماع مردم در اختیار داشت. این تنها امکان میانعت از حضور و اجتماع غیرقابل کنترل و غیرقابل پیش بینی و غیرقابل سرکوبی بود که می توانست همه سنگرها را بر سر همه شان خراب کند!

به این طریق بالایی ها هرچند قادر به حکومت کردن نیستند، توانستند برای مدت کوتاهی از تیررس خیزش سراسری دیگری، جان سالم بدر ببرند. تقابلی «آرام» و غیر مستقیم صورت گرفت! اما پس از آن، این نیروی دشمن نبود که احساس قدرت میکرد، بلکه جنبش با نیروهای مردمی بود که ضعف و ترس و ناتوانی قدرت حاکم در رویارویی مستقیم با خود را روشنتر دید. جنبشی که قدرت نمایی اش را، برای روزی که همچون همیشه دشمن را «غافلگیر» کند و امکان خیزیدن به هیچ سنگری را به آن ندهد، به تعویق انداخت. این اتفاقی بود که در سالگرد خیزش سراسری در ایران افتاد و برای دیدن این واقعیت، به هیچ تلسکوپ فضایی و رسانه و گزارش ویژه ای، نیازی نیست.

اما فکر میکنید که انعکاس این واقعیت نزد رسانه های رسمی فارسی زبان طیف راست در اپوزیسیون چه بوده است! «بازخوانی» این رسانه ها از موقعیت تعرضی مردم در ایران، حرکات اعتراضی در خارج از کشور، و فعالیت طیف وسیعی از نیروهای چپ در اپوزیسیون که با برگزاری دهها آکسیون و سمینار و مراسم مختلف واقعیت رابطه قدرت انقلابی مردمی و ضدانقلابی حاکم را بیان میکرد، چه بود! رابطه این رسانه ها با دستاوردها و مطالبات خیزش «زن، زندگی، آزادی»، با موقعیت تعرضی زندانیان سیاسی نسبت به زندانبانان، با عزم جزم معلمان و مطالبات شان، با ایستادگی دانشجویان در جبهه دفاع از دستاوردهای آزادیخواهان جامعه، با اعتصابات و تحرکات وسیع و متوقف نشدن کارگران و خوش بینی اکثریت هشتاد میلیونی جامعه، چه در کردستان چه در تهران و زاهدان و خوزستان و .. چه بود؟ و اعتقاد همگانی نسبت به «رفتمی بودن» انگل های حاکم و خوش بینی به قدرت خود برای رسیدن به آزادی و برابری، را چگونه منعکس میکرد؟

نزد این رسانه ها، از کیهان لندن تا همه رسانه های دولتی فارسی زبان در خارج از کشور، یا به پای رسانه های حکومتی، صحنه چه در ایران و چه در خارج از کشور، نمایشی بود از شکست و نومیدی و بی قدرتی مردم! نام این دروغ و وارونگی را «ناتوانی» و «بی موضوعیتی» اپوزیسیون گذاشتند تا به مردم بقبولانند که «موفق نشدند» و «تنها هستند»!

اشتراک در «قیاس به نفس» بین جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست آن، بخصوص راست افراطی، حیرت آور است. هر دو بی قدرتی و ضعف و ناتوانی خود در خفه کردن انقلاب در جریان مردم در ایران را، به مردم منتسب میکنند تا مدال جنگ و جدال «باخت باخت» خود را به ضرب و زور پروپاگاندا، به گردن مردم بیاویزند! مقام جمهوری اسلامی در قدرت، در این صحنه روشن است. حکومتی که زیر حملات مهلک قدرت مردمی قادر به حکومت کردن بر فراز سر جامعه و اجرای قوانین و مقررات اش حتی در زندانهایش هم نیست. رژیممی که استیصال اپوزیسیون راست خود را با ریشخند در بوق و کرنا میکند تا قدرت نداشته خود را به رخ مردم بکشد. مقام اپوزیسیون راست و رسانه های حامی آن که تلاش می کنند به اصطلاح مردم و ایران را از شر جمهوری اسلامی خلاص کنند، اما دیدنی است.

در سالگرد خیزش انقلاب سوم، در خارج از کشور، جایی که جمهوری اسلامی حاکم نیست، اپوزیسیون و دشمنان جمهوری اسلامی، انقلابی و ضدانقلابی، راست افراطی و چپ انقلابی، فاشیست های آریایی و «نئوپهلویست» ها و کمونیست ها، هر یک توانستند صدای یارانشان در ایران را به جهانیان برسانند. راست افراطی که صدایش زیر «آوار» مباحثات، معاملات و بده بستان های جمهوری اسلامی با قدرت های مخرب بین المللی، بخصوص دولت های آمریکایی و اروپایی، در سینه خفه شده بود با صفوفی درهم و «پاره پاره» مشغول خودزنی بود، تا هرگونه قدرت نمایی! راستی که این روزها کمتر شخصیت سیاسی و اجتماعی خوش خیال به «متمدن بودن» آنها، حاضر است عکس ش را در کنار عکس های آنها قرار دهد، مغبون شده تلاش میکرد در این ساگرد برای خود موضوعیتی دست و پا کند. این اپوزیسیون قدرتی نداشت که آن را به نمایش بگذارد! به جای آن، تجمعات بی رونق پرچم شیروخورشید بدستان و مراسم های متعدد «عزا داری» در «گرامی داشت» شکست و سترونی خود، براه انداخت! برگزاری انواع نشست، با حضور «کارشناسان» و «صاحب نظران» و «متخصصین» بررسی «شکست اپوزیسیون» و دلایل «ناکارآمدی» آن، اول و آخر قدرت نمایی راست افراطی در سالگرد خیزش مهسا بود. تا واقعیت «عدم موضوعیت» شان در این سالگرد را، پشت چنین مراسم هایی پنهان کنند. راست افراطی در خارج از کشور، عملاً به موقعیت «نا مربوط» خود به این جنبش و سالگرد، اعتراف

کرد! واقعیت این است که پس از یک سال میدان داری راست و برگزاری انواع مانورهای مخرب از بالای سر مردم، همگان موقعیت بازنده آنها را در بازی «باخت باخت» با جمهوری اسلامی، به رسمیت می شناسند. کسی به نقش و قدرت و امکان عمل آنها، باور و اعتمادی ندارد. اصلی ترین پرچم آنها در این سالگرد همان پرچمی است که در دست جمهوری اسلامی است. یعنی در بوق و کرنا کردن سترونی و ناتوانی اپوزیسیون راست، تحت عنوان ناکامی تمام مردم ایران و تمام اپوزیسیون در خارج و داخل کشور! اپوزیسیون راست به موازات رژیم تلاش میکند که ناکامی راست چه در زدن مهر ارتجاعی به خیزش مردمی و چه در جلب توجه قدرت های بین المللی در قبولاندن خود بعنوان آلترناتیو را، تحت عنوان ناکامی اپوزیسیون «بطور کلی» به خورد جهانیان دهد! ایران از نگاه رسانه های این اپوزیسیون، جامعه ای شکست خورده است نه صحنه جدال مردمی قدرتمند علیه حاکمیتی زبون! میگویند که جامعه تنها میدان تاخت و تاز کامل حکومتی قدرتمند بر فراز سر مردمی «مظلوم و بی پناه و تنها» است. از جمله وارونه جلوه دادن رابطه قدرت در ایران، بزرگنمایی سیستماتیک این رسانه ها از این و آن لحظه ابراز وجود حقیرانه فلان مامور جیونی است که به بی حجابی زنان «گیر میدهد». برخلاف ادعای این رسانه ها که «زنان مظلوم سرکوب» شدند، این ماموران هستند که غالباً با «تودهنی» و مشت و لگد زنان و مردم پاسخ میگیرند. در حالی که رسانه ها و نشریات حکومتی سلسله وار مشغول «بررسی راه کارهایی» هستند برای یافتن سوراخ موشی در فرار از مواجهه با پدیده «حجاب لغو شده» توسط همان مردمی که راست آنها را ناتوان و ضعیف و تسوی خور تصویر میکنند، راست مشغول بررسی دلایل شکست خود است و تلاش برای نصب مدال آن بر سینه همگان و همه اپوزیسیون.

این رسانه های ریاکار، که مدعی انعکاس «صدای همگان» هستند، از بی بی سی و دویچه وله تا کیهان لندن و رادیو فردا و تلویزیون های ایران اینترنشنال و «من و تو» و ... ضمن انعکاس «قطره چکانی» حرکات اعتراضی توسط چپ ها و کمونیست ها و آزادیخواهانی که نه «سوگند وفاداری» به خاندان پهلوی خورده اند و نه به «اصلاحات» از داخل رژیم دل بسته اند، در این سالگرد لام تا کام نسبت به مراسم و آکسیون های اعتراضی چپ الکن بودند! نه تنها لمانی گرفته بودند، که ارکستر وار مشغول «نمایش» حضور طرفداران «وفادار» رضا پهلوی با پرچم های شیروخورشید، تحت عنوان «تجمع ایرانیان در خارج کشور»، بودند و برگزاری سلسله بررسی ها در مورد «شکست اپوزیسیون» و «ناکامی» و «ناکارایی» آن!

کانالهای میدیای اجتماعی این رسانه ها مملو از تجمعات بی رونق صفی بازنده، مزین به پرچمهای شیرو خورشید و نقل قولهای انواع «منتظرالسلطنه» های رنگارنگ بود. در سالگرد خیزش انقلابی مردم در ایران، غیبت شرافت رسانه ای این اپوزیسیون، اعجاب برانگیز بود. اعجاب برانگیز تر میزان وقاحت این بنگاه ها در گرفتن ژست رسانه های «بی طرف» و «همگانی» است. رسانه هایی که تقلای سیستماتیک شان طی یک سال گذشته در تخریب جنبش آزادیخواهان مردم و سلب اعتماد به نفس آنان، در لانس کردن راست ارتجاعی و شخصیتهای بی اعتبار آن، به تخت سینه واقعیت قدرت جنبش در ایران خورد و خنثی شد. بنگاههایی که تلاش کردند انواع شخصیت های ناسیونالیست قومی، ملی و مذهبی کرد و ترک و بلوچ و شیعه و سنی و عظمت طلبان آریایی و بازمندان سلطنت پهلوی را بعنوان نماینده مردم جا بزنند! تلاشی که پس از یک سال میدان داری، منزوی و حاشیه ای شد. این بنگاه های سیاسی امروز شانس زیادی برای ایفای نقش ارتجاعی و پرکردن خلا وجود احزاب سیاسی جدی راست و اولترا راست در ایران، را ندارند. جامعه ایران به حق آنها را بعنوان دستگاه های دروغ پراکنی، در کنار صدا و سیما قرار میدهد. دریچه و شانس این رسانه ها و صاحبان دولتی شان برای هایچک کردن انقلاب مردم در ایران، به یمن وجود یک جنبش سوسیالیستی قوی در ایران، بسته تر و تنگ تر میشود. نباید به آنها شانس دیگری برای میدان داری داد.

کلرگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل

حزبی شما است.

حزب را از آن خود کنید!

فعالیت‌های تشکیلات خارج حزب در سالروز خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱

در آستانه سالروز خیزش انقلابی مردم ایران، حاکمیت جمهوری اسلامی تلاش داشت تا با برنامه ریزی سفرهای متعدد و نشست‌های متعدد با دیگر دولت‌ها و بر برقراری ارتباطاتی با دول غربی، فضائی آرام و تحت کنترل را از حاکمیت خود به نمایش بگذارد.

اما در جبهه مقابل جمهوری اسلامی و دول غربی و جریانات همخط شان، همچنین‌های مردم ایران از آزادی خواهان، حق طلبان، مدافعان حق زن، رفاه و امنیت و برابری طلبان حضور داشتند که در اکثریت کشورها شانه به شانه هم جنبشی هایشان در داخل ایران، نفرت عمومی از حاکمیت جنایتکار و دیکتاتوری اسلامی در ایران را به گوش مردم جهان در شهرهای مختلفی همچون گوتنبرگ، استکهلم، کلن، برلین، فرانکفورت، ونکوور، بروکسل، لندن، اسلو، برگن و بسیاری شهرهای دیگر جهان رساندند و لابی‌ها و دسیسه‌های جمهوری اسلامی با قدرت‌های منطقه و جهانی را رسوا کردند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) در همبستگی جهانی با خیزش انقلابی مردم ایران چه به شکل برگزاری مراسم‌های مستقل و چه در همراهی با دیگر جریانات آزادیخواه و حق طلب در کشورهای مختلف خارج کشور حضور داشتند. اینجا چند مورد از این فعالیتها را به اطلاع میرسانیم. سمینار گفت شنود با رهبری حزب تحت عنوان اوضاع سیاسی ایران، یک سال پس از خیزش انقلابی مردم ایران با سخنرانی رفقا آذر مدرسی و محمد راستی توسط تشکیلات آلمان حزب در کلن برگزار شد. سخنرای دبیر کمیته مرکزی از رادیو نینا پخش و برای علاقمندان قابل دسترس است.

سخنرانی رفیق امان کفا از رهبری حزب در سمینار کانون همبستگی با مبارزات مردم ایران - گوتنبرگ، همچنین سخنرانی رفیق امان به زبان انگلیسی در تظاهرات و تجمع ۱۶ سپتامبر در شهر گوتنبرگ به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی مردم در ایران انجام گرفت و از رسانه‌های حزب حکمتیست (خط رسمی) پخش و قابل دسترس است.

تظاهرات ۱۵ و ۱۶ سپتامبر کلن آلمان از طرف مردم آزادی خواه و احزاب و شورا و جریانات چپ و حزب کمونیست کارگری کردستان و حزب کمونیست کارگری عراق پیش رفت که در آن رفیق محمد راستی از رهبری حزب، گه شاو رحیم از حزب کمونیست کارگری کردستان و دیگر فعالین سیاسی از احزاب و جریانات مختلف به ایراد سخنرانی‌ها و اعلام همبستگی با مردم ایران و رساندن صدای هم جنبشی‌های شان در داخل به گوش مردم آلمان پرداختند.

بر خلاف تلاش‌های مضاعف جمهوری اسلامی و رسانه‌های راست در نمایش شکست این جنبش و کوبیدن بر طبل اتمام مبارزات که کار نه تنها امروزشان بلکه کل تاریخ رو به زوالشان بوده اما مردم آزادی خواه، حق طلب، مترقی، برابری طلب، ضد ظلم، ضد اختناق و دیکتاتوری، در داخل و خارج کشور نشان دادند که

با همبستگی و اتحادی سراسری و جهانی و عاری از هر مهر و رنگ قومی، ملی و مذهبی این مبارزه را تا به پیروزی رساندن تمامی مطالبات و خواست هایشان ادامه خواهند داد، مصمم تر از دیروز و با سنگر بندی منسجم تر و روشن تر در عرصه مبارزاتی و در میدان جدال با توحش و بربریت و عدم مساوات هستند. سنگر دفاع از دستاورد‌ها و پیش روی‌های شان را در هر جدال با حاکمیت جمهوری اسلامی محکم تر حفظ می کنند و در برابر حاکمیت تا دندان مسلح و در برابر لابی دول غربی یا هر دولتی که بقای حکومت ننگین اسلامی را تقویت کند می ایستند.

جنبش آزادیخواهانه برای آزادی، برابری زن و مرد، معیشت، رفاه و امنیت، نشان داد فارغ از مرزهای کشوری، در داخل و خارج ایران استوار و مصمم ایستاده اند و با صدای رسا به جهانیان اعلام کردند که سر باز ایستادن ندارند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۱- سپتامبر ۲۰۲۳

آزادی، یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی سرمایه و سرمایه داری،

یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای

اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی

رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد

طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی،

رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی،

رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش

های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود،

رهایی از ستم‌های مذهبی، قومی و جنسی،

رهایی از فقر و فلاکت جهل و کل تبعیضات و

مصائب جامعه بورژوایی.

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری‌های ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوایی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

سایت مجموعه آثار منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net>

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena